

# اجبار در برجسته سازی بازی تپیک

## نگاهی به نمایش بدل

ناصر بابایی

در بروشور آگهی نمایش آمده است: «مهرزاد از کودکی زیر سایه برادر دوقلوی ناهمسانش مهران بوده است و به فرزند درجه دو خانواده بودن خو گرفته است. مهران با یک حادثه بدلکاری دچار مرگ مغزی می شود. خانواده متوجه می شوند پسرشان فرم اهدا عضو پر کرده است. حالا مهرزاد از فرصت استفاده کرده و تلاش می کند تا خودش را از سایه برادر نجات دهد»

صحنه بازی می شود: اطاق عمل، بیماری روی تخت دراز شده است. دکتر و پرستاری مشغول جراحی بیمار هستند. تعداد بسیاری مجروح و مصدوم به اورژانس بیمارستان

سوالات ناشنیدنی کارگردان فیلمی که ساخته می شود را جواب می دهند.

### نقد ساختاری

استفاده از تکنیک تکگویی، منجر به این شده است که نمایش، صحنه روایات گوناگون از یک ماجرا باشد. هر بار از زاویه ای متفاوت به موضوع نگاه شده است. این روش وقتی برای مهران و مهرزاد (برادران دو قلویی که یک بازیگر نقشش را به عهده دارد) اجرا می شود، فهم ماجرا پیچیده تر می گردد. اساساً این سوال مطرح است که چه لزومی

داشته یک بازیگر نقش این دونفر را بازی کند؟ به ویژه اینکه در پیشگفتار نمایش به غیر همسان بودن دوقلوها اشاره شده است! تفکیک این دو نفر در حله اول آسان نیست. علاوه بر آن اصرار بر مونولوگ بودن نمایش برای من مخاطب آزاردهنده بود؛ انگار در جهان نمایش، حضور فقط با تنهایی معنا پیدا می کند. هرکس تنها روایت خود را صحیح می داند و هیچ تلاشی برای دریافت و شنیدن روایت دیگری دیده نمی شود. تنها راوی خارج از موضوع اصلی نمایش، پرستار است که با زنگ های تلفنی که به او می شود، لحظاتی از ماجرای اصلی فاصله می گیریم و سرگرم مشکلات خانوادگی پرستار از طریق صحبت های تلفنی وی با همسرش می شویم (بهانه ای برای یادآوری مشکلات عدیدة این قشر زحمتکش و عمدتاً محروم جامعه امروز).

تعدد روایات از یک موضوع ثابت و متکلم وحده بودن باعث شده تم اصلی مورد نظر نویسنده و کارگردان را نتوان به درستی تشخیص داد. در لابلای تکگویی ها این عناوین را می توان پیدا کرد:

- دیگری سایه شده
  - دکتري که خانواده را قربانی حرف هاش کرده
  - مرگ مغزی و مشکل برخورد خانواده با اهدا عضو
  - روابط سلسله مراتبی خانواده پدرسالار
  - فداکاری اجباری به منزله وظیفه از پیش تعیین شده
  - مشکل پرستاران زن در جامعه مردسالار
- وجود تنها یک دکتر و یک پرستار در نمایش، اجبار در برجسته سازی بازی تپیک را دیکته می کند. کاری که بازیگر نقش پرستار آنرا نسبتاً خوب در آورده است. البته پرستار این نمایش تیپ بانو نایتینگل نیست بل نشانگر پرستاری است که جایگاه پایین خود را در سلسله مراتب اداری می داند و سعی بر رفتاری روتین، چه در محیط کار و چه در زندگی دارد.

### بدنی برای برادر بدلکار

روابط دو برادر بسیار پیچیده و عجیب نمایش داده شده، پیچیدگی که منطق قابل قبولی در آن مشاهده نمی شود؛ برادر بزرگتر بدلکار سینمایی است و تنها به دلیل گروه خونی امنی، فقط از برادرش مهرزاد می تواند خون و عضو بگیرد. به نحوی که آنها تبدیل به مشتریان ثابت بیمارستان برای مداوای مهران بعد از هر حادثه ناشی از بدلکاری شده اند. برادری که هیچ اشارهای به شغلش در زندگی عادی نمی شود. توگویی وی تنها بدل و یدکی برادر بدلکار است و بس!

مشکل اهدای عضو در هنگام مرگ مغزی، در ترمای جوامع با تفاوت هایی کم و بیش، کماکان جدی است. و بر این اساس برای اشاعه فرهنگ اهدای عضو، حرکت هایی در سطوح ملی و بین المللی در جریان است. در نمایش بدل، این موضوع بیشتر جنبه شوخی به خود گرفته است. وجود برادری که در عین زنده بودن چندین عضو او را را به برادرش پیوند زده اند و برادری که با اصراری ابلهانه قصد پس گرفتن کلیه اهدایی به برادرش را دارد!

نمایش زمانی حدود ۷۵ دقیقه طول می کشد. متن اجرا حاوی مطالب بسیاری است به نحوی که بازیگران مجبورند روی دور تند صحبت کنند که در برخی صحنه ها (به ویژه لحظات ابتدایی نمایش) امکان درک مطلب برای تماشاگر سخت می شود. شاید به دلیل تک گویی صرف، ترفندی برای فرار از خسته کنندگی نمایش جلوه کند. ولی اگر بازیگران از حرف های خود بکاهند و با لحظاتی سکوت فرصت اندیشیدن برای تماشاچی فراهم شود، امکان برقراری ارتباط بهتر با متن را به وی می دهند.



### مشکل اهدای عضو در هنگام

**مرگ مغزی، در تمامی جوامع با تفاوت هایی کم و بیش، کماکان جدی است. و بر این اساس برای اشاعه فرهنگ اهدای عضو، حرکت هایی در سطوح ملی و بین المللی در جریان است. در نمایش بدل، این موضوع بیشتر جنبه شوخی به خود گرفته است**

آورده اند. صدای همهمه و فریاد همراهان و کادر درمانی بیرون از اطاق عمل به گوش میرسد. شاید تنها صحنه ای که نوعی تعامل بین بازیگران برقرار است همین صحنه آغازین باشد. دکتر و پرستار با هم کار می کنند و مریض هم بیپوش نقش خود را بازی می کند. بعد از این صحنه بسیار کوتاه، دکتر و پرستار ببحرکت می شوند و مریض (مهران) از روی تخت سرش را رو به تماشاگران بالا گرفته و شروع به صحبت می کند.

روند تکگویی ادامه یافته و هر بار با حرکت و بیان هر یک از بازیگران، دو نفر دیگر ساکت و مجسمه می شوند. منتهی به غیر از صحبت ابتدایی مهران (که رو به تماشاگران است)، دکتر و پرستار بازیشان نمایش در مقابل دوربینی نامرئی است که در جایگاه تماشاگران قرار داده شده و